

به نام خدا

تحلیل و بررسی آموزش مبتنی بر موسیقی بر کاهش اختلال یادگیری کودکان دبستانی

مؤلف :

نسرین یاری مقدم

انتشارات بامن

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: یاری مقدم، نسرین، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: تحلیل و بررسی آموزش مبتنی بر موسیقی بر کاهش اختلال یادگیری کودکان دبستانی / مولف نسرین یاری مقدم.
مشخصات نشر: انتشارات بامن، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۶۵-۸-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص ۶۴-۶۰.
موضوع: آموزش مبتنی بر موسیقی - کاهش اختلال یادگیری - کودکان دبستانی
رده بندی کنگره: GV۷۱۷
رده بندی دیویی: ۸۰۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۱۴۱۷۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: تحلیل و بررسی آموزش مبتنی بر موسیقی بر کاهش اختلال یادگیری کودکان دبستانی
مولف: نسرین یاری مقدم
ناشر: انتشارات بامن
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زیرجد
قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۶۵-۸-۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۵	فصل اول.....
۵	کلیات.....
۵	مقدمه.....
۷	اهمیت موضوع.....
۹	فصل دوم.....
۹	مبانی نظری.....
۹	مقدمه.....
۱۱	موسیقی نیاز انسان.....
۱۲	استفاده از موسیقی.....
۱۳	یادگیری مطالب از طریق موسیقی.....
۱۴	منافع موسیقی در یادگیری مطالب.....
۱۵	چه سنی برای تربیت موسیقایی مفید است؟.....
۱۵	کودکان و موسیقی.....
۱۷	ریشه ی تاریخی و تحولی موسیقی درمانی به چه زمانی برمی گردد؟.....
۱۸	موسیقی و پزشکی و روان پزشکی و روانشناسی.....
۲۰	مکانیزم مغزی موسیقی.....
۲۳	آرامش روانی با موسیقی طبیعت.....
۲۳	اختلال یادگیری.....
۲۵	تعاریف اختلال یادگیری.....
۲۷	اختلالات یادگیری چگونه تشخیص داده می شود.....
۲۸	ویژگی های ناتوانی های یادگیری.....
۲۹	اختلالات یادگیری دیداری - حرکتی.....
۳۰	انواع اختلالات یادگیری.....
۳۰	اختلال در ریاضی.....
۳۷	موسیقی و مهارت های مربوط به ریاضی.....
۳۸	اختلال در خواندن.....
۴۷	دیدگاههای برجسته در دانش شناخت اجتماعی.....
۵۱	اضطراب اجتماعی.....
۵۳	استفاده از موسیقی در آموزش.....
۵۴	کاربرد موسیقی در اختلالات یادگیری.....
۵۵	چه کسانی دارای اختلالات یادگیری هستند؟.....
۵۵	چه عواملی باعث بروز اختلالات یادگیری هستند؟.....

فصل اول

کلیات

مقدمه

یکی از اهدافی که از طریق پرداختن به موسیقی در مدارس دوره ابتدایی محقق می شود، استفاده از کارکرد های آن در فرآیند یاددهی و یادگیری می باشد. در جریان یاددهی یادگیری حواس و هوش های گوناگون دخالت دارند و هرچه در این امر از هوش های زیادی استفاده می شود به همان میزان از آموزش تک بعدی، یک سویه و انفعالی دور شده و به سوی آموزشی تعاملی پویا و پایدار و چند بعدی حرکت خواهد شد. یکی از هوش های به اثبات رسیده انسان هوش موسیقایی موزون است اگر روند آموزش با ریتم، وزن و آهنگ همراه باشد درک مفاهیم آموزشی برای دانش آموزان بهتر و سهل تر خواهد بود اگر در آموزش مفاهیم درسی به فراخور موضوع از موسیقی استفاده شود فرآیند یاددهی-یادگیری با موفقیت بیشتری انجام خواهد شد. امروزه موسیقی و تاثیرات نوروفیزیولوژیک آن مورد توجه بسیاری از محققان در سراسر دنیاست (کیهانی و شریعت پناهی، ۱۳۸۷). تنفس، گام برداشتن، ضربان قلب، همگی سیمایه های موزون و یا ریتمیک از حیات جسمانی ما به شمار می آیند (استور، ۲۰۰۱). توانایی بیان و احساس ضرب در کودک و بزرگسال فراتر از لذت بردن و واکنش های پیش پا افتاده آنها به موسیقی ساده است. ضرب های یکسان زیر بنای توانایی درک الگوهای گفتار و زبان به شمار می آید و به همین جهت واجد اهمیت بسیاری است (جنسن، ۱۳۸۶). بین شناخت و موسیقی ارتباط وجود دارد، چي هو و چون (۲۰۰۳) آموزش موسیقی به صورت نظام مند و منظم را در زمینه پردازش حافظه موثر می داند، کولیر و لوگان (۲۰۰۰) نیز بر این باورند که عملکرد حافظه کوتاه مدت با بهره گیری از تحریکات موزون شنیداری متناوب، بهتر از زمانی است که تحریکات

بینایی به کار برده می شود. گفته می شود که موسیقی از راه تصویر سازی ذهنی، تقویت حافظه را به دنبال دارد (خلف بیگی و همکاران، ۱۳۸۵). نشانه ها و علائم متعددی وجود دارد که نشان می دهد شبکه های عصبی اختصاصی پردازش موسیقی در مغز به صورت کاملاً مستقل و جداگانه (مستقل از دیگر ساختارهای عصبی مغز) عمل می کنند (ملایری و همکاران، ۱۳۸۴). تقویت و تسهیل عملکرد شبکه های دخیل در موسیقی در نیمکره چپ (از طریق آموزش زود هنگام موسیقی)، توانایی ذهنی مربوط به این نواحی، که شامل اجزای مورد نیاز ذهن برای استدال می شوند، را افزایش می دهد. نتایج تحقیقات در ایران نیز نشان دهنده افزایش رشد شناختی کودکان و افزایش توانایی استدلال عمومی بر اثر آموزش موسیقی بوده است (میربها و همکاران، ۱۳۸۲).

از آنجا که یادگیری اساس رفتار انسان را تشکیل می دهد، فرد از طریق یادگیری است که با محیط خود آشنا می شود. زندگی در هر مرحله ای از رشد و برای ادامه ی آن مستلزم یادگیری است زیرا قسمت عمده رفتار انسان آموختنی است. زبان و بیان احتیاجات خود، بروز عواطف، کنترل احساسات، معاشرت با هموعان و رشد قوه ی تفکر از طریق آموختن امکان پذیر است. بنابراین توجه به یادگیری و لحاظ موضوع مربوط به آن در فعالیت های تربیتی شرط اساسی موفقیت مریان است (شریعتمداری، ۱۳۹۰، ص ۳۱۴). اصطلاح اختلال یادگیری را اولین بار ساموئل کرک در سال ۱۹۶۳ در انجمنی از والدین که در شهر نیویورک تشکیل شده بود، پیشنهاد کرد (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۱، به نقل از شهیم و هارون رشیدی، ۱۳۸۶). این اختلال به طور عمده در کودکان ۷ تا ۱۰ ساله دیده می شود (کاپلان، سادوک و گرب، ۲۰۰۲ و ترجمه پورافکاری، ۱۳۸۲). با توجه به این که پردازش موسیقی در مغز در مناطقی متفاوت از مناطق درگیر در ادراک سایر اصوات از جمله گفتار، صورت می پذیرد امروزه از موسیقی درمانی در توانبخشی ذهنی و جسمی و نیز کمک به رشد دقت شنیداری و بهبود توجه و تمرکز و در نهایت رشد مهارت های گفتاری استفاده می شود. این امر در مورد مبتلایان به اختلال یادگیری بیشتر صدق می کند (زاده محمدی، ۱۳۸۴).

اهمیت موضوع

یکی از روش های مفید برای یادگیری مطالب به ویژه برای دانش آموزان، جایگزینی مطالب و مفاهیم جدید به جای اشعار و ترانه های موسیقی است. زمانی که فرد مطالب و اندیشه ها و کلمات را با موسیقی تنظیم و هماهنگ می نماید، ضمن اینکه مناطق مختلفی از مغز فعال می گردند، مطالب در شاهره های متفاوت حافظه ذخیره شده و به این ترتیب، قدرت یادگیری مطالب تقویت می گردد(همان، ص ۱۲۹).

کودکان مبتلا به اختلال یادگیری کودکانی هستند که دارای الگوهای غیر معقول در درک این جهان می باشند. الگوهای عصب شناختی آنان به نظر می رسد تا اندازه ای از کودکان هم سنشان که این اختلال ها را ندارند، متفاوت می باشند. افراد مبتلا به اختلال یادگیری در نوعی ناکامی تحصیلی و اجتماعی مشترک هستند. آنان آنچه را که دیگران در همان سطح هوشی به انجام می رسانند قادر نیستند انجام دهند(کالاگر و همکاران، ۱۳۸۷). در بروز اختلالات یادگیری عوامل مختلف آموزشی، محیطی، روانشناختی و حتی ژنتیکی دخیل اند و شامل نقایص نورولوژیک (عصب شناختی)، تحصیلی، اجتماعی، عاطفی و سازشی می شوند(نیرمانی و همکاران، ۱۳۹۱، به نقل از رومن، ۱۹۹۸).

در حوزه روانشناسی، موسیقی را همچون زبان های رایج دنیا نوعی زبان دانسته اند که مناطق خاص خود را در مغز دارد و همچون زبان، درک آن نیازمند آموزش است(کیهانی و شریعت پناهی، ۱۳۸۷). یک تجربه لذت بخش می تواند بیماران را در برابر شرایط ناامید کننده یا ناخوشایند زندگی تامین و حمایت کند. باتوجه به اینکه بسیاری از دیدگاه ها به تاثیر موسیقی به مثابه یکی از روشهای درمان در بهبود عملکرد کودکان دارای اختلال ویژه معتقدند و با نظر به اهمیت موسیقی درمانی، پژوهش حاضر با هدف بررسی این شیوه بر کاهش اختلال یادگیری کودکان انجام می شود.

فصل دوم

مبانی نظری

مقدمه

از سال ۱۹۵۰ به بعد، توجه مربیان، روانشناسان و پزشکان به گروه خاصی از کودکان و آموزش آنها معطوف گشت، که از نظر جسمی و مغزی دارای هیچ گونه عارضه‌ی مشخصی نیستند، ولی دچار نارسایی‌های ویژه یادگیری و گاهی اوقات نابهنجاری‌های رفتاری می‌باشند. متخصصان آموزشی با بسیاری از کودکان روبه‌رو می‌شوند که دچار اختلالات یادگیری هستند ولی علم پزشکی هیچ گونه علامتی از نابهنجاری‌های عصبی، یا ضایعات مغزی در آنها نمی‌یابد. این گونه کودکان با وجود هوش بهنجار در یک یا چند زمینه مانند: خواندن، نوشتن، سخن گفتن، فهم ریاضی و غیره دچار ناتوانی یا اشکالات یادگیری هستند (نادری، نراقی، ۱۳۸۲، ص ۱۱-۱۲). با اینکه وضعیت کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری، به تازگی مورد توجه قرار گرفته است اما علاقه در این زمینه پیشینه‌ای طولانی دارد. به رغم وجود پیکره‌ی گسترده‌ای از ادبیات خاص اختلالات یادگیری، میزان بسیار اندکی از اطلاعات جامع در زمینه‌ی راه‌های درمانی موثر بر کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری در دست است؛ در حقیقت هنگامی که دکتر «دوریس جانسون» در سال ۱۹۸۷ تحقیق درباره اختلالات یادگیری را برای کنفرانس بین‌المللی ناتوانی‌های یادگیری خلاصه کرد، متوجه شد که از چهار صد پژوهش موجود تنها پنج درصد از آنها مرتبط با درمان بوده است (بارابارا و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۹۳-۹۴). کنترل رفتار جهت توسعه مهارت‌ها و یادگیری در افراد دچار ناتوانی یادگیری ضروری است. موسیقی همراه با نظم و ساختار توأم می‌تواند به عنوان تقویت‌کننده‌ای

جهت تسهیل رفتار و کنترل تحریکات استفاده می شود (زاده محمدی، ۱۳۸۰). رشته موسیقی درمانی در حقیقت یکی از شاخه های علوم درمانی است که در آن «موسیقی درمانگر» مانند پزشک که از دارو یا وسایل جراحی استفاده می کند، از موسیقی و فعالیت های گوناگون همراه با موسیقی به عنوان ابزار درمانی استفاده می نماید (نعمتیان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴).

موسیقی:

لغت موسیقی از واژه های هند و اروپایی است. نوشتار آن (Musiquis) با لغت «ذهن» (Mind) هم ریشه است (لطفی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴). در همه ی تمدن های کهن، موسیقی نه تنها یکی از شاخه های مهم علوم محسوب می شده، بلکه درباره ی جنبه متافیزیکی و ارتباط موسیقی با جسم و روح و روان انسان ها نیز نظرات شگفتی وجود داشته که بخش هایی از آنها حتی به صورت مکتوب به ما رسیده است. در کانون های اصلی تمدن های باستانی (هند و چین، بین النهرین، مصر و ایران) جلوه های متافیزیکی موسیقی و تاثیر گذاری روانی آن، مهمترین جنبه های موسیقی محسوب می شده است. این جنبه ها که در بیشتر موارد در هم تنیده شده اند و از آمیزش آنها تاثیرات غایی و نهایی مورد نظر گرفته می شده است، در دو بعد کلی قابل تفکیک اند: جنبه های عام تاثیر گذاری موسیقی که حاصل از آن بهجت و سرور معنوی انسانی است، جنبه های خاص تاثیر گذاری موسیقی که اختصاصا در حوزه های موسیقی درمانی قابل تبیین است (مرادی، ۱۳۸۹، به نقل از درویشی، ۱۳۷۹، ص ۳۹ و ۴۰). موسیقی شکلی از هنر است که احساس، ادراک، عاطفه و شناخت انسان را بدون نیاز به تکلم و زبان منتقل می کند و موسیقی درمانی به معنای استفاده از موسیقی و برنامه های تنظیم شده موسیقایی برای توانبخشی تمامی بیماران (جسمی و روانی) است (اشمیت پرز، ۱۳۸۴).